

نقش کارکردهای ترمیمی پلیس در پیشگیری از سرقت

در محله‌های فرودست شهری اراک

عباس خسروانی^۱

چکیده

زمینه و هدف: رویکرد عدالت ترمیمی در سال‌های اخیر به عنوان روش مؤثر در سومین مرحله از پیشگیری جرم، در نیروی انتظامی مطرح شده است. این رویکرد به منظور قضا‌زدایی و بسط عدالت غیر کیفری و در پیوند با مفاهیم انسانی و فرهنگ و ارزش‌های جامعه مدنی، عدالت کیفری خلاق و بویابی را معرفی می‌کند. اهداف عمده عدالت ترمیمی عبارت‌اند از: اصالت روابط شخصی، جبران، بازسازی با هنجارهای اجتماعی و مشارکت. عناصر عدالت ترمیمی در این مقاله مشتمل است بر داوطلبانه بودن، اظهار حقیقت، رودررویی، توافق، حمایت و غیر علنی بودن است. **روش:** این پژوهش به روش پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه، در ۹ محله فرودست شهر اراک و با روش نمونه‌گیری سه مرحله‌ای سهمیه‌ای، خوشه‌ای و تصادفی ساده و در نمونه آماری ۳۷۹ خانواری و با تأکید بر نظریه عدالت ترمیمی و با هدف سنجش تأثیر کارکردهای ترمیمی پلیس بر پیشگیری سومین از سرقت صورت گرفته است. **یافته‌ها و نتایج:** نتایج حاصل از تحلیل داده‌های به دست آمده نشان داد که کلیه فرضیه‌های پژوهش تأیید و بر اساس ضرایب همبستگی کندال، بین کلیه متغیرهای مستقل با پیشگیری از سرقت رابطه معناداری وجود دارد و بیشترین تأثیر را متغیر اظهار حقیقت داشته است. بر اساس نتایج پژوهش، تأکید بر نقش پلیس به عنوان نقش تسهیل کننده، ترویج عدالت ترمیمی در برنامه‌های نیروی انتظامی، استفاده از ظرفیت‌های برون سازمانی و آموزش تخصصی کارکنان پیشنهاد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: عدالت ترمیمی، پیشگیری، محله‌های فرودست، سرقت، پلیس.

□ **استناد:** خسروانی، عباس. (۱۳۹۸). نقش کارکردهای ترمیمی پلیس در پیشگیری از سرقت در محله‌های فرودست شهری اراک. *فصلنامه*

رهیافت پیشگیری، ۲(۱)، صص ۹۷-۱۱۸.

مقدمه

جهان امروز به سرعت به سمت شهری شدن پیش رفته و می‌رود. گزارش‌های رسمی نهادهای وابسته به سازمان ملل متحد نشان می‌دهد که در سال ۲۰۰۳ حدود نیمی از جمعیت جهان یعنی جمعیتی بالغ بر ۳ میلیارد نفر در مناطق شهری زندگی می‌کردند و با توجه به فرایند موجود، احتمال اینکه این جمعیت تا سال ۲۰۳۰ به ۳ تا ۵ میلیارد نفر برسد زیاد است. به عبارتی تا سال ۲۰۳۰ چیزی در حدود ۶۰ درصد کل جمعیت جهان در مناطق شهری زندگی خواهند کرد. نکته مهم این است که بیشتر این جمعیت در کلانشهرهایی ساکن خواهند شد که در کشورهای معروف به «در حال توسعه» قرار دارند. همچنین در این کلانشهرها، بیشتر این جمعیت در مناطق فرودست شهری اسکان می‌یابند. به عبارتی پیش‌بینی می‌شود اگر مواجهه با جمعیت شهری در حال گسترش این کشورها، با برنامه‌ریزی دقیق و مناسبی همراه نباشد، تعداد ساکنان محله‌های یادشده تا سال ۲۰۳۰ به دو برابر افزایش پیدا کند.^۱ کمیسیون جهانی آینده شهرها در قرن بیست و یکم میلادی نیز، هشدار داده است که به موازات رشد ابرشهرها، فقر شهری در کشورهای جنوب افزایش یافته و بخش عمده‌ای از رشد شهرنشینی بر پایه اقتصاد غیر رسمی و همراه با گسترش سکونت‌گاه‌های غیر رسمی صورت خواهد گرفت و این گرایش را غیر رسمی شدن شهرنشینی نامیده است (هال و پی فیف^۲، ۲۰۰۰، ص ۱۲۴). بر اساس گزارش برنامه «هویتات»، مناطق شهری در ۳۰ سال آینده مهمترین کانون رشد جمعیت جهان خواهند بود و با این افزایش جمعیت، دولت‌ها در کشورهای در حال توسعه با چالش نرخ رشد بالای فقر مواجه هستند. این دگرگونی با پدیده شهری شدن فقر همراه بوده به طوری که زمانی فقر بیشتر در روستا نمایان بوده و امروزه به فقر شهری تبدیل شده است. با این افزایش فقر و کمبود مسکن ناشی از آن، شاهد شکل‌گیری هرچه بیشتر سکونت‌گاه‌های غیر رسمی هستیم به گونه‌ای که جمعیت جهانی این سکونت‌گاه‌ها تا سال ۲۰۲۰ در حدود ۸۸۹ میلیون تخمین زده شده است (دیویانی^۳، ۲۰۱۱).

طبق سرشماری سال ۹۵ جمعیت ساکن در نقاط شهری نسبت به سال ۱۳۹۰ افزایش یافته و جمعیت

۱. برنامه عمل هیبتات و بانک جهانی ۱۹۹۹

2. Hall & Pfeiff

3. Divyani

ساکن در نقاط روستایی با کاهش محسوسی روبه‌رو بوده است. شهرنشینی را باید در ارتباط با آن دسته از تحولات اقتصادی و اجتماعی که بر آرایش استقرار جمعیت تأثیرگذار بوده است، بررسی کرد و در یک نگاه کلی و عمومی، مهاجرت جمعیت از روستا به شهر و توسعه شهرنشینی، محصول کاهش کیفی و کمی امکان زندگی و اشتغال در روستا و افزایش نسبی این عناصر در شهرها بوده است. گسترش شهرنشینی بدون در نظر گرفتن بسترهای اجتماعی، اقتصادی و کالبدی، واگرایی‌های شدید بین مردم، افزایش لجام‌گسیخته شهرها و جمعیت آنها، تشدید چند برابری زاغه‌نشینی‌ها، تخریب گسترده اراضی کشاورزی، شکل‌گیری سوداگری زمین و مهاجرت‌های غیرقابل پیش‌بینی را به همراه داشت. کلانشهرها و شهرهای صنعتی به ویژه در کشورهای جنوب، بیشترین حجم محله‌های فرودست را در خود جای داده‌اند. این نوع از سکونت که هم در درون و هم در حاشیه کلانشهرها ظهور و بروز پیدا می‌کند در تمام ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی با نوع سکونت غالب در شهر تفاوت دارد. عواملی چون بیکاری، فقر، نداشتن مسکن استاندارد، قرارگرفتن در انزوای اجتماعی، نداشتن تعلق خاطر و وابستگی به ارزش‌ها، باعث بروز ناهنجاری‌های اجتماعی و گسترش آسیب‌های شهری در این نقاط شهر شده است. این محله‌ها ضمن اینکه سبب ناهمگونی در سیمای شهری شده‌اند، موجب برهم ریختن تعادل و توازن فرهنگی و گسترش بزهکاری، تعارض، فقر و ناهمگونی اجتماعی جمعیتی و نظایر اینها نیز شده‌اند.

یکی از جرائم شناسائی شده در این محله‌ها سرقت است که تاکنون راهکارهای متعددی برای مقابله با این جرم اجرائی شده اما به دلیل ماهیت خاص این مناطق تأثیر محسوسی در کاهش پدیده سرقت در این محله‌ها نداشته است. در این میان، یکی از راهبردهای پیشنهادی برای اثرگذاری فعالیت‌های پیشگیرانه، راهبرد عدالت ترمیمی در فعالیت‌های نهادهای مرتبط با جرم و بزه از جمله پلیس است. عدالت ترمیمی در مفهوم اولیه آن در واقع احیا و توسعه حقوق بزه‌دیدگان در نظام کیفری و در کلیه مراحل رسیدگی است و در مفهوم موسع آن قبل از آنکه جرم را نقض مقررات و هنجارهای مجرد و انتزاعی عمومی و رسمی تلقی کند، آن را لطمه‌ای به اشتغال و روابط میان افراد تعریف می‌کند که آثار و خسارات مادی و معنوی روانی و عاطفی آن نه فقط بزه‌دیده بلکه جامعه محلی و حتی خود بزهکار و در جرائم شدید، کل جامعه را متضرر و متأثر می‌کند و این فرآیند درصدد پیشگیری از وقوع جرم و جبران خسارات و ترمیم آثار آنهاست. در دنیای امروز، افزایش آمار جرم و جنایت در بین گروه‌های سنی مختلف و از سوی دیگر، انفعال و

ناکارآمدی بسیاری از نهادها و سازوکارهای اجرایی فرایند دادرسی کیفری سبب شده است که گفتمان منتقد نظام عدالت کیفری سنتی، به نحو روزافزونی طرفداران و مدافعانی در اقصی نقاط گیتی پیدا کند (واکر^۱، ۱۹۹۱، ص ۴). به نظر می‌رسد امروزه دیگر راهبرد مداخله افراطی و فراگیر دولت و نهادهای رسمی در معیت آن در گستره نظام اجتماعی و به ویژه رژیم حقوق کیفری، مشروعیت و کارایی خود را از دست داده است؛ زیرا با وجود همه تحولات نظری و عملی در اجرای عدالت کیفری سنتی که موجب ظهور و اجرای الگوهای سرکوبگر، سزادهنده و بازپرورانه شده است، نه تنها مشکلات و معضلات ناظر به اجرای عدالت در امور کیفری پابرجاست؛ بلکه این مسائل سبب طرح پرسش‌های عدیده‌ای شده است. در جهان امروز عدالت ترمیمی تبدیل به نهضتی همه‌گیر و جهانی شده است. در بسیاری از کشورها عدالت ترمیمی یکی از چند رویکرد رقیب ناظر به ارتکاب جرم و عدالت است که توسط دادگاه‌ها و قانون‌گذاران مورد توجه قرار می‌گیرد. با توجه به این پیشرفت و گسترش، عدالت ترمیمی توجه بسیاری از کشورها را به خود جلب کرده است. اگرچه عدالت ترمیمی یک نظریه از عدالت کیفری است و آگاهی از آن از طریق پاسخ‌های بومی به جرم، هم در گذشته و هم در حال حاضر وجود دارد اما باید گفت که پیشرفت و توسعه آن به شکل جدید به عنوان الگوی مقابل یا همزیست با عدالت کیفری سنتی از دهه هفتاد قرن بیستم مورد توجه قرار گرفته است. «در دهه‌های اخیر، به دلیل ناکارآمدی سیستم عدالت کیفری سنتی، نهضتی به نام عدالت ترمیمی مطرح شده است که به اعتقاد طرفداران آن می‌تواند علاوه بر حل و فصل اختلافی که با ارتکاب جرم ایجاد شده است، خصومت، تنش و اختلال ناشی از آن بین بزهدیده و بزهدکار را در جامعه محلی آن هم در چارچوب فرایند مذاکره و مصالحه جمعی رفع و ترمیم کند» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷، ص ۲۸).

یکی از نهادهای درگیر در مسائل اجتماعی و جرائم، پلیس است که با توجه به شرایط موجود در کشور، نیازمند بازنگری در برخی راهبردها و راهکارهای خود به لحاظ نظری است. نقش پلیس در مقابله با جرائم و آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی و پیشگیری و به ویژه پیشگیری سطح سوم که در این مقاله به آن تأکید شده است نقشی پر رنگ است. منظور از پیشگیری سطح سوم در این پژوهش برنامه‌هایی از قبیل: «مشاوره برای زنان و بچه‌ها، مداخلات کیفری و گروه‌های گوناگون است. تلاش‌های پیشگیرانه در این مرحله برای جلوگیری از رفتارهای مجرمانه است تا مجرمان اصلاح و با محیط اجتماعی خود

سازگار شوند و به ارتکاب مجدد جرم گرایش پیدا نکنند. پیشگیری سومین در نتیجه عملیات شناسایی و تشخیص یا عملیات پلیسی برای دستگیری مجرم، زندانی شدن مجرم یا محکومیت و اصلاح رفتاری زندانی به کار می‌رود. این تقسیم‌بندی توسط کاپلان صورت گرفته است» (بیات، شرافتی پور و عبدی، ۱۳۸۷، ص ۲۵). از نهاد پلیس انتظار نقش آفرینی پر رنگی در این حوزه می‌رود و لازم است پلیس با بهره‌گیری از نظریه عدالت ترمیمی نسبت به تحقق پلیس ترمیمی و بکارگیری راهبرد پلیس ترمیمی در برنامه‌های خود اقدام کند.

بنابر اعلام مرکز اسکان بشر ملل متحد^۱ در سال ۱۹۹۶ میلادی یک پنجم جمعیت جهان فاقد خانه‌ای در شأن زندگی انسانی بودند که دامنه گسترده‌ای از بی‌سپناه‌ها و خیابان‌خواب‌ها تا آلودگ‌نشینان را دربر می‌گرفت (پاتر و لیوید^۲، ۱۹۹۸، ص ۱۳۷). نگران‌کننده‌تر اینکه این نسبت و تعداد، برای کشورهای جنوب در حال افزایش بوده به طوری که در منطقه پررونق اقتصادی آسیا اقیانوسیه، حدود ۶۰ درصد جمعیت شهری در سال ۲۰۰۰ طبق برآورد اسکاپ^۳ بدین گونه مسکن گزیده‌اند (دراکاکیس^۴، ۲۰۰۰، ص ۱۵۴). حاشیه‌نشینان امروزه یکی از مسایل مرکب شهری و اجتماعی است که در اغلب کشورها و جوامع جهان به صورت معضلی پیچیده نمایان شده است. این پدیده در بعضی از جوامع معلول کشش طبیعی قطب‌های صنعتی، شغلی، رفاهی و اداری است و در بعضی دیگر از جوامع، بیکاری و فقر ناشی از بحران صنعتی و اقتصادی و یا تبعیض نژادی و اختلافات طبقاتی؛ عامل آن است و در برخی دیگر، حاصل افزایش ناگهانی و بیش از حد جمعیت به ویژه جمعیت روستایی در ارتباط با وضع راکد اقتصادی و گاهی نیز ناشی از مجموعه‌ای از این عوامل است. شرایط نامناسب زندگی در این مناطق پیامدهای فراوانی به دنبال دارد که وقوع انواع جرائم اجتماعی از جمله آنها است. شهرهای بزرگ ایران نیز از این قاعده مستثنی نیستند. این مجموعه‌ها به دلیل استقرار تعداد زیادی از شهروندان درون خود و به دلیل برخورداری نامناسب از خدمات شهری، وضعیت نامطلوب و کیفیت پایین زندگی، یکی از چالش‌های اساسی شهرنشینی پایدار به حساب می‌آیند. این مناطق شهری قابلیت بالایی برای انواع آسیب‌ها و

1. UN-Habitat

2. Potter & Lioyd

۳. کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل برای آسیا و اقیانوسیه (scap)

4. Drakakis

مسائل اجتماعی دارند و در صورت بی توجهی می توانند هستی و حیات یک شهر را نیز تهدید کنند. پدیده حاشیه نشینی به دنبال خود مسایل اجتماعی دیگری را به وجود می آورد که افزایش جرائم اجتماعی از مهم ترین آنها است. چون در این مناطق تراکم جمعیت بسیار بالا است و در خانه های محقر، انبوهی از افراد زندگی می کنند که نمی توانند جذب شهر و بازار کار شوند. به همین علت فقر در بین ساکنان این مناطق فراوان است. فقر همچنین به تنهایی عاملی است که می تواند به بروز جرائم اجتماعی بسیار کمک کند و به وجود آورنده یا تشدید کننده جرائم دیگر باشد. در محلات حاشیه نشین که زائیده رشد شهرنشینی ناهمگون است؛ نرخ جرائم و بزهکاری به علت تراکم بالای جمعیت، فقر اجتماعی و همچنین رهایی افراد از فشار افکار عمومی و کنترل رسمی، بالا ارزیابی می شود. در واقع می توان اظهار داشت که نسبت معناداری بین حاشیه نشینی - سکونت گاه های غیر رسمی - با جرم و آسیب های اجتماعی وجود دارد و مناطق حاشیه نشین به مثابه جزیره های جرم زای شهری، از منابع اصلی جرم و بزهکاری به شمار می آیند (مظفری زاده، ۱۳۹۱، ص ۲۰۹).

مدت هاست شاهد شکل گیری هرچه بیشتر این مناطق در شهرهای بزرگ کشور از جمله شهر اراک هستیم. رشد جمعیت بی رویه شهر اراک و سیل مهاجرت به این شهر به ویژه پس از انقلاب اسلامی، غیر قابل کنترل بودن مهاجرت ها، توسعه فیزیکی مدیریت نشده شهری منجر به شکل گیری این محلات در اراک شده و به دنبال آن باعث بروز مشکلات فراوان در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کالبدی، زیست محیطی برای شهر اراک شده است. شهر اراک یکی از قطب های صنعتی مهم کشور است و با خیل مهاجرت افراد جویای کار از روستاها و نقاط شهری کمتر توسعه یافته مواجه است که این جمعیت به طور معمول قرابت و تجانس فرهنگی همسانی با فرهنگ ساکنان اصلی و قدیمی تر شهر نداشته و به دلیل بضاعت مالی اندک، در حاشیه شهر اراک و سکونت گاه های غیر رسمی متمرکز شده اند. با توجه به اینکه برنامه ها و سیاست های کیفی سال هاست برای مقابله با جرائمی چون سرقت در حال انجام است و این سیاست ها نتوانسته تأثیر کافی بر کاهش سرقت بگذارد، جا دارد که از سیاست ها و برنامه های جدیدی در این حوزه استفاده کرد که عدالت ترمیمی یکی از پیشنهادات است. برنامه ای که می تواند با استفاده از رویه های غیر رسمی و خارج از فرایندهای قضایی و انتظامی و به صورت منسجم، زمینه های ارتکاب سرقت را به حداقل برساند یا عوارض آن را کاهش دهد. سرقت از جمله جرائم علیه اموال است و

جرم‌شناسان عللی را برای آن برشمرده‌اند، از جمله فقر و نیاز مالی، بیکاری، اعتیاد، انتقام‌جویی و کینه و حسد. بیشتر علل یادشده را می‌توان در مناطق حاشیه‌نشین مشاهده کرد. در بیشتر مواقع، این افراد در محله‌های مرفه‌نشین، یا متوسط شهر اقدام به سرقت می‌کنند، همچنین محله‌های حاشیه‌ای بهترین مکان برای مخفی کردن اموال ناشی از سرقت است. از طرفی چون در این محله‌ها کنترل پلیسی و انتظامی محدود است، این محله‌ها تبدیل به سرپناه امن برای مجرمان شده است. صرف نظر از سرقت‌های شایع که به آن اشاره شد در مناطق حاشیه‌نشین سرقت برق، آب و گاز و تلفن نیز شایع است.

با توجه به شرایط حاکم بر محله‌های فرودست شهری و وضعیت اقتصادی کشور، پلیس چگونه می‌تواند مواجهه‌های کارآمد با جرائم و بزهکاری‌های اجتماعی داشته باشد؟ راهبردها و سیاست‌های گذشته پلیس چه ضعف‌ها و قوت‌هایی داشته است که به کاهش جرائم در برخی محله‌های فرودست شهری منجر نشده است؟ چه رویکرد برای جایگزینی رویکرد سنتی وجود دارد؟ به عبارت دیگر پلیس چگونه می‌تواند در مرحله پیشگیری سطح سوم به پیشگیری از سرقت و کاهش نرخ آن کمک کند؟

پیشینه: مقدسی، میرزایی و غنی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «برنامه‌های ترمیمی پلیس با تکیه بر قانون آیین دادرسی کیفری و رویه عملی پلیس ایران»، به این نتیجه رسیده‌اند که تحقق اهداف عدالت ترمیمی مستلزم وجود کنشگرانی است که ضمن آشنایی با مبانی و اهداف عدالت ترمیمی، به اصول آن نیز اعتقاد داشته باشند. بی‌تردید پلیس به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای مسئول پاسخ‌دهی به پدیده مجرمانه و به عنوان اولین نهاد مورد رجوع بزه‌دیدگان پس از وقوع جرم، نقش مهمی در اجرای برنامه‌های ترمیمی دارد. موفقیت پلیس در این راه مستلزم تغییراتی در ساختار و نیز تغییر نگرش پلیس است. ابراهیمی، کلانتری و صفری (۱۳۹۷) در مقاله خود با عنوان «تبیین نقش پلیس ترمیمی در شرمساری پیشگیرانه از تکرار جرم» به این نتیجه رسیدند که پلیس سنتی با اقدامات سرکوبگرانه خود در تأمین هدف مبارزه با جرائم موفق عمل نکرده است. بدین معنا که اقدامات انجام گرفته توسط پلیس و سیستم رسمی رسیدگی، برچسب مجرمانه‌ای به بزهکار الصاق می‌کند که اصلاح و بازگشت وی به جامعه را با مشکل روبه‌رو می‌کند، در نتیجه، این امر منجر به تکرار جرائم می‌شود، در حالی که پلیس، در رویکرد جدید جامعه‌محوری خود از مشارکت مردم در تأمین نظم و امنیت و مبارزه با جرائم استفاده می‌کند. در این راستا برنامه جدیدی به نام پلیس ترمیمی به پلیس جامعه‌محور ارائه می‌شود. بارانی (۱۳۹۶) در مقاله

خود با عنوان «پلیس و میانجیگری کیفری (مورد مطالعه: کلانتری های شهر تهران)» به این نتیجه رسیده است که پلیس در رعایت اصول توافقی بودن میانجیگری، رعایت موازین حقوق بشر، محرمانه بودن، بی طرفی، اعتبار توافقی ها و آگاهی از فرایند میانجیگری، وضعیت قابل قبولی دارد اما در رعایت اصل قانونی بودن، اصل مشارکت، اصل ادغام بزهکاران در جامعه و اصل استقلال میانجیگری از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. بنابراین لازم است نیروی انتظامی ساز و کارهای لازم را برای ارتقای میزان رعایت اصول حاکم بر عدالت ترمیمی در اجرای برنامه های میانجیگری به عمل آورد. کارولین و نیکوکار (۱۳۹۱) در مقاله خود با عنوان «عدالت ترمیمی، بزه دیدگان و پلیس» معتقدند الگویی ترمیمی که بر پایه پاسخ به جرم به شیوه حل آثار و پیامدهای جنایی، با مسئولیت پذیر ساختن جامعه در قبال رخداد جنایی، شرمساری مجرم و به طور کلی حل و فصل جرم، با درگیر کردن بزه دیده، مجرم و جامعه محلی است، می تواند آثار درخور توجهی در حوزه پیشگیری، به ویژه پیشگیری از تکرار جرم جوانان داشته باشد. میرزایی و مسعودی (۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان «نقش پلیس در اجرای برنامه های عدالت ترمیمی» معتقدند: پلیس به عنوان یکی از اولین نهادهای درگیر در مقابل پدیده مجرمانه که مورد اعتماد بسیاری از بزه دیدگان است، می تواند نقش مهمی در اجرای عدالت ترمیمی را عهده دار شود. این رویکرد برای قضاودایی و به منظور بسط عدالت غیر کیفری مدل های گوناگونی را مطرح کرده است که بارزترین آنها مدل عدالت ترمیمی است.

مبانی نظری: عدالت ترمیمی فرایندی است برای درگیر کردن کسانی که سهمی در جرمی خاص دارند تا به طور جمعی درباره چگونگی برخورد با آثار و نتایج جرم و مشکلات ناشی از آن برای آینده تصمیم گرفته، از رهگذر میانجیگری و سازش در فضایی دوستانه و غیر پلیسی راهکاری بیابند (منکل^۱، ۲۰۰۷، ص ۱۱). عدالت ترمیمی از نیمه دوم قرن بیستم میلادی به بعد، گفتمان جدیدی را در عرصه حقوق جزا مطرح ساخت که ضمن توسعه نقش و مداخله سهام داران پدیده جنایی در تدبیر و پاسخ دهی به مصادیق آن به شدت به دنبال افزایش کارایی و کاستن از محدودیت ها و ضعف های نظام عدالت کیفری سنتی است. در الگوی عدالت ترمیمی برخلاف عدالت سنتی، به نظام اجتماعی و بزه دیدگان توجه خاصی مبذول می شود و جرم رفتاری است که بیش از آن که تعدی و تجاوز به حریم دولت و نظام کنترل رسمی

قلمداد شود، رفتاری معارض و متجاوز به حقوق مردم و روابط آنها پنداشته می‌شود (تیفل^۱، ۲۰۰۱، ص ۵). ظهور مفهوم عدالت ترمیمی^۲ حاصل تحول در نگرش‌ها و دیدگاه‌های عمومی حقوق دانان کیفری، جرم‌شناسان و مجریان نظام کیفری نسبت به عدالت کیفری مبتنی بر «جزا و سرکوب»^۳ و عدالت کیفری مبتنی بر «اصلاح و تربیت»^۴ است که در پیوند با مفاهیم انسانی و فرهنگ و ارزش‌های جامعه مدنی، عدالت کیفری خلاق و پویا را معرفی می‌کند.

مسائل و مشکلات ناشی از عدالت کیفری سنتی (عدالت مبتنی بر سزادهی و بازپروری) از قبیل تورم قوانین کیفری که با کمبود امکانات اقتصادی و انسانی نهادهای قضایی برای رسیدگی به جرائم روبه‌رو است با طولانی بودن فرآیند رسیدگی که نارضایتی عمومی مراجعان را از عملکرد دادگاه‌ها در پی دارد، با ناکارآمدی کیفر زندان در فرآیند بازپذیری مجرمان به ویژه توجه ناکافی به حقوق و جایگاه بزه‌دیده‌گان و اجتماع، زمینه ظهور عدالت ترمیمی و استفاده از برنامه‌ها و روش‌های اجرای آن در بسیاری از کشورهای جهان شد، به گونه‌ای که تلاش‌های ملی برای اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی به سرعت در برخی از نهادهای منطقه‌ای و از جمله اروپایی و پس از آن در قلمرو بین‌المللی توسط سازمان ملل متحد مدنظر قرار گرفت و به رسمیت شناخته شد. طرف‌داران رویکرد عدالت ترمیمی معتقدند که تأثیر این اقدام در امر پیشگیری از تکرار جرم بسیار قوی است و بنابراین پرداختن به آن امری شایسته و منطقی خواهد بود. از نظر آنان، وارد شدن ضرر به جامعه بر اثر ارتکاب جرم، امری فرضی است و حقیقت امر آن است که فقط بزه‌دیده بر اثر ارتکاب جرم متحمل ضرر عینی و واقعی می‌شود زیرا ضرر ناشی از جرم اعم از جسمی، روحی و مالی به صورت مستقیم فقط بر اشخاصی وارد می‌شود که وجودی حقیقی دارند و نه جامعه که وجودی اعتباری دارد. در مقابل نظام عدالت کیفری معتقد است که مجرم با ارتکاب جرم، نظم عمومی جامعه را متزلزل کرده است و عدالت اقتضاء می‌کند که با مجازات او نظم عمومی به جامعه بازگردانده شود (وروایی و فاطمی موحد، ۱۳۹۵، ص ۶۸). «عدالت ترمیمی به عنوان یکی از آموزه‌های معاصر علوم جنایی است که از رهگذر آن طرف‌های درگیر در یک جرم معین به شکل جمعی یا گروهی

1. Tiffle

2. Restorative justice

3. Retributive justice

4. Rehabilitative Justice

برای حل و فصل و رسیدگی به آنچه از جرم حاصل شده و پیامدهای احتمالی آن در آینده تصمیم‌گیری و رایزنی می‌کنند که این کار از طریق شیوه‌های غیر رسمی همچون سازش، میانجیگری بزه‌دیده - بزهکار، گونه‌های مختلف نشست‌های ترمیمی، هیئت‌های ترمیمی اجتماع مدار، محفل‌های صدور حکم و تعیین ضمانت اجرایی انجام می‌شود» (بریث ویت، ۱۳۸۵، ص ۵۲۱). «از جمله عناصر عدالت ترمیمی می‌توان به داوطلبانه بودن این عمل، اظهار حقیقت، رودررویی، توافق، حمایت، غیر علنی و محرمانه بودن اشاره کرد» (بریث ویت، ۱۳۸۵، ص ۵۳۱). در این پژوهش با تأکید بر نظریه بریث ویت، شاخص‌هایی برای سنجش عدالت ترمیمی تعریف شده است تا بتوان از آن الگویی به دست آورد؛ این قسمت از عدالت کیفری، میان سه رکن بزهکار، بزه‌دیده و جامعه، قایل به وجود عناصر زیر است:

«الف) داوطلبانه بودن: شرکت بزهکار به صورت داوطلبانه و با اراده‌ای آزاد، بدون اجبار و با طیب خاطر در کنار بزه‌دیده؛

ب) اظهار حقیقت: بزهکار با اقرار خود بدون آنکه سعی در انکار واقعیت داشته باشد، حقیقت را بیان می‌کند؛

ج) رودررویی بین بزه‌دیده و بزهکار: ملاقاتی است که در خصوص آسیب‌های وارده بر بزه‌دیده از سوی بزهکار بحث می‌شود، در حالی که در عدالت سزادهنده کمتر می‌توان چنین اشخاصی را با طیب خاطر با یکدیگر روبرو کرد؛

د) توافق: توافق و قرارداد بر نحوه جبران خسارت و اصلاح و واکنش به جرم، به گونه‌ای که از فرآیندها به دور باشد و دارای وصف ترمیمی باشد؛

ه) حمایت: حمایت از بزه‌دیده، بزهکار، بیمار و مانند آنها، به نحوی که شرایطی برابر میان طرفین ایجاد شود؛ و) غیر علنی و محرمانه بودن: برای بازپذیری مجرم به جامعه و حفظ آبروی او، رودررویی میان بزه‌دیده و بزهکار در فضایی غیر علنی انجام گرفته و مباحث مطرح شده در آن نیز به صورت محرمانه باقی خواهد ماند» (شیری، ۱۳۸۵، ص ۲۳۱).

پلیس ترمیمی: امروزه نقش پلیس در حل و فصل اختلافات و مسائل کیفری به عنوان واسط میان طرفین دعوا در سامانه عدالت جنایی مهم و تأثیرگذار شده است و واحدهای مشاوره و مددکاری کلانتری‌ها از مهم‌ترین نهادهای پلیس است که برای حل و فصل مسائل کیفری از نظام عدالت ترمیمی بهره می‌برند.

یکی از اقدامات پلیس در این راستا، استفاده از برنامه پلیس ترمیمی است. پلیس ترمیمی برنامه‌ای است که در اختیار پلیس جامعه‌محور قرار می‌گیرد تا از طریق عملکرد خاص خود، بتواند به پیشگیری از تکرار جرائم بپردازد. پلیس ترمیمی تلفیقی از پلیس اجتماع‌محور و عدالت ترمیمی است که از طریق شرمساری بازپذیرکننده سعی در اصلاح امور، جبران خسارات وارده بر بزه‌دیده و بازگشت بزهکار به جامعه دارد، بدین منظور پلیس ترمیمی را می‌توان این گونه تعریف کرد که مجموعه‌ای از اصول و فلسفه‌ای ریشه‌دار در آرمان‌ها و روش‌های عدالت ترمیمی است. «پلیس ترمیمی بر پایه یک عمل یا روش خاص استوار نیست، بلکه بر پایه مفهومی که جرم را از دیدگاهی متفاوت می‌نگرد، بنا شده است، بدین منظور که دستگاه عدالت کیفری باید بر کسانی متمرکز باشد که در جرم خاص درگیر شده‌اند یعنی بزهکار، بزه‌دیده و جامعه محلی تا از طریق رضایت و جبران آسیب‌های ناشی از جرم عدالت اجرا شود» (مل^۱، ۲۰۰۲، ص ۳). پلیس ترمیمی به دنبال پوشش ضعف‌های پلیس سنتی است به طوری که پلیس سنتی در افکار عمومی به طور کلی با مفهوم سرکوب جرم و مجازات همراه بوده است، اما با تغییرات به وجود آمده در جوامع و پذیرش نهاد پیشگیری به عنوان قلمرو جدید سیاست کیفری در کنار قلمرو سنتی آن یعنی سرکوبی، بینش نوینی از مأموریت پلیس در جامعه مطرح شد که در این روش از طریق نهادهای اجتماعی مانند خانواده، مدارس، رسانه‌ها و مانند آنها تلاش می‌کنند از بزهکاری و بزه‌دیدی افراد جامعه، به ویژه کودکان و نوجوانان جلوگیری کنند و فرصت‌های ارتکاب جرم را تا حد امکان کاهش دهند (ابراهیمی، ۱۳۸۸، ص ۳۷۹).

از جمله آثار این شیوه پاسخ‌دهی به جرم که برخلاف دیدگاه‌های تلافی‌گرا که بر مجرم و آنچه از او سر زده توجه دارند، به بزه‌دیده و جامعه محلی تأکید کرده و همچنین به مجرمان به دیده افراد شایان احترام می‌نگرد. این شیوه از واکنش به جرم که منجر به شرم مجرم در ازای کردارهای ناشایست صورت می‌گیرد، می‌تواند از برجسب خوردن مجرمان، به ویژه مجرمان جوان تا حدود زیادی پیشگیری کند. جلوه‌های چنین تفکری در کشورهای هم‌چون استرالیا، زلاندنو و آمریکا منجر به پایه‌گذاری تشکیلات قضایی جوانان و نوجوانان شد.

چارچوب نظری: برای تبیین مبانی نظری عدالت ترمیمی و توجیه اهداف و برنامه‌های آن، تاکنون

نظریه‌های مختلفی از قبیل نظریه شرمساری باز اجتماعی کننده، کنترل اجتماعی، نظریه موجه‌انگاری جرم و القاگرایی سیستم کیفری از طرف جرم‌شناسان ارائه شده است. عدالت ترمیمی دارای عناصر مختلفی است که فلسفه وجودی آن را تشکیل می‌دهند. از جمله این عناصر همان طور که به نقل از بریث ویت (۱۳۸۵) نیز مطرح شد شامل محرمانه و غیرعلنی بودن، حمایت، توافق، رودرویی، اظهار ندامت و داوطلبانه بودن است. بریث ویت در تبیین این تعریف به پنج ویژگی عدالت ترمیمی اشاره می‌کند:

۱- عدالت ترمیمی دعوتی است به مشارکتی کامل و اتفاق نظر و اجماع در مقایسه با عدالت کیفری کلاسیک که دادگاهی رسمی تشکیل می‌دهد برای تحمیل کیفر بر مجرم بدون اجماع و گفتگو راجع به ابعاد جانبی بزه؛

۲- درصد ترمیم روابطی است که بر اثر وقوع جرم گسیخته شده است؛ در مقایسه با عدالت کیفری کلاسیک که مترصد ایجاد زجر، حرمان و ناتوانی برای مجرم است؛

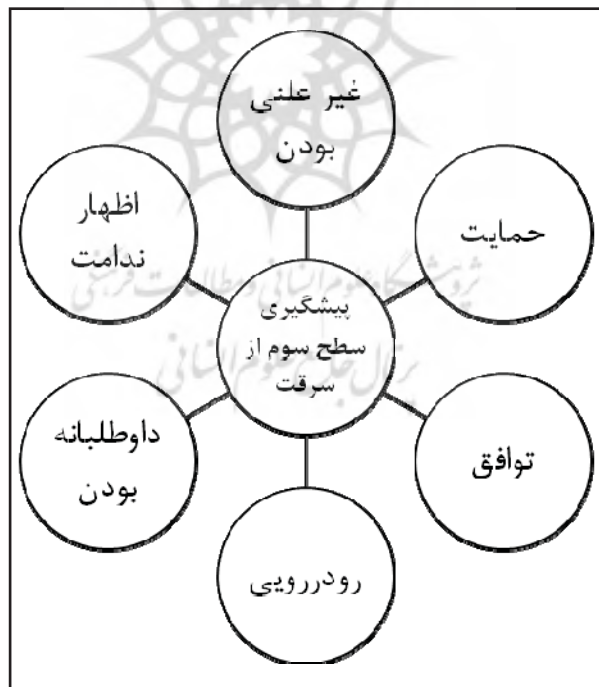
۳- کوششی است برای ایجاد احساس شرم بازسازگار کننده در مقایسه با شرم مخرب که از پیامدهای سوء عدالت کیفری کلاسیک سزاده بود؛

۴- هدف عدالت ترمیمی تقویت اجتماع برای پیشگیری از جرم در آینده است، در مقایسه با عدالت کیفری اربعایی که گذشته‌نگر و در پی تحمیل کیفر جرم ارتكابی است؛

۵- واکنش‌های جزایی در عدالت ترمیمی بسیار متنوع و انسان‌گرایانه هستند (مانند حکم کیفری به ترمیم خسارت بزه‌دیده و جامعه، عذرخواهی، جزای نقدی روزانه، تعلیق مراقبتی و خدمات عمومی)، در مقایسه با عدالت کیفری کلاسیک که واکنش‌هایش محدود به حبس، شلاق، تبعید، اعدام و مانند آنهاست (بریث ویت، ۲۰۰۲، ص ۹۹).

به اعتقاد تونی مارشال در عدالت کیفری، بیشترین تأکید باید بر جبران زیان از طرف بزهکار باشد. در این راستا صرف نظر از پرداخت خسارت، جبران ممکن است شامل مشارکت داوطلبانه بزهکار در مشاوره درمانی یا آموزش نیز بشود. بر این اساس، جبران ضرر و زیان کسانی که در نتیجه وقوع جرم متضرر شده‌اند موضوع اساسی عدالت ترمیمی بوده و هدف کلیه فرآیندهای عدالت ترمیمی نیز بهبود و التیام بخشیدن به همین افراد و از جمله بزه‌دیده و حتی خود بزهکار است. البته مهم‌ترین هدف در این زمینه جبران زیان‌های بزه‌دیده توسط بزهکار است؛ اگر چه ترمیم آرامش و نظم اجتماعی مختل شده نیز

هدف دیگری است. به اعتقاد مارتین رایت نیز، عدالت ترمیمی عدالتی است که تلاش می‌کند بین منافع بزه‌دیده و جامعه و نیاز به بازپذیری اجتماعی بزهکار توازن و تعادل ایجاد کند و می‌کوشد تا ترمیم و بهبود وضعیت بزه‌دیده را تا حد امکان عملی ساخته و در این مسیر تمام اشخاصی را که به نحوی در حادثه مجرمانه نفعی دارند، مانند: بزه‌دیده، بزهکار، وابستگان آنها، نمایندگان جامعه و مقامات عدالت کیفری به مشارکت فعال و سازنده برای ایجاد چنین توازنی فرامی‌خواند. در مجموع می‌توان چنین گفت که این فرآیند که در ربع آخر قرن بیستم به عنوان بدل یا مکمل الگوهای کلاسیک عدالت کیفری پیشنهاد شده است، به جای تمرکز بر بزه که شاخص عدالت سزادهنده است و یا بزهکار که عدالت بازپرورانه به آن نظر دارد، اساسی‌ترین رسالت خود را ترمیم ضرر و زیان بزه‌دیده و نیز جامعه به عنوان متأثر از جرم می‌داند. در چنین چشم‌اندازی، گفتمان عدالت ترمیمی در قالب روش‌ها و الگوهای مختلفی نمود عینی می‌یابد که محوری‌ترین عنصر مشترک در آنها، دوری گزیدن از نظام دادگستری رسمی و روی آوردن به نهاد قضازدایی است. بنابراین مدل مفهومی پژوهش به صورت شکل شماره ۱ ترسیم شد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش برگرفته از بریث ویت (۱۳۸۵)

- بر اساس مدل مفهومی پژوهش، فرضیه اصلی پژوهش عبارت است از: بین اجرای شاخص‌های عدالت ترمیمی در محله‌های فرودست شهری و پیشگیری سطح سوم از سرقت در این محله‌ها رابطه وجود دارد؛ و فرضیه‌های فرعی پژوهش به شرح زیر است:
- بین میزان داوطلبانه بودن اقدامات ترمیمی در محله‌های فرودست شهری و پیشگیری از سرقت رابطه وجود دارد؛
 - بین میزان اظهار حقیقت در اقدامات ترمیمی در محله‌های فرودست شهری و پیشگیری از سرقت رابطه وجود دارد؛
 - بین میزان رودرویی در اقدامات ترمیمی در محله‌های فرودست شهری و پیشگیری از سرقت رابطه وجود دارد؛
 - بین میزان توافق در اقدامات ترمیمی در محله‌های فرودست شهری و پیشگیری از سرقت رابطه وجود دارد؛
 - بین میزان حمایت در اقدامات ترمیمی در محله‌های فرودست شهری و پیشگیری از سرقت رابطه وجود دارد؛
 - بین میزان محرمانه بودن اقدامات ترمیمی در محله‌های فرودست شهری و پیشگیری از سرقت رابطه وجود دارد.

روش

در این پژوهش تلاش شد تا تأثیرات اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های عدالت ترمیمی توسط پلیس بر پیشگیری از سرقت از طریق انجام یک پیمایش مورد سنجش قرار گیرد و در این روش از ابزار پرسشنامه استفاده شد. جامعه آماری پژوهش حاضر با توجه به ماهیت موضوع، کلیه خانوارهای ساکن در ۹ محله فرودست شهر اراک در سال ۹۷ است که تعدادشان بر اساس آمار شهرداری اراک در سال ۹۰، ۲۸۸۷۴ خانوار گزارش شده است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش روش ۳ مرحله‌ای سهمیه‌ای، خوشه‌ای و تصادفی ساده است. طبق رابطه کوکران با سطح خطای ۵ درصد، حجم نمونه برابر با ۳۷۹ خانوار است. برای تعیین اعتبار ابزار اندازه‌گیری پژوهش، از ۳ نوع اعتبار صوری، محتوا و سازه‌ای استفاده شده است. پایایی ابزار جمع‌آوری داده‌ها، با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ، ۸۰ درصد بود که پایایی قابل قبولی را

می‌رساند. در این پژوهش برای انجام توصیف نتایج از جداول فراوانی، درصدها و شاخص‌های مرکزی و پراکندگی استفاده شد. همچنین برای تحلیل نتایج به دست آمده از ضرایب همبستگی، به ویژه ضریب همبستگی کندال، تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر استفاده شد.

یافته‌ها

با توجه به داده‌های جدول ۱، ضریب کندال تائو سی محاسبه شده به میزان $0/443$ با 1 درصد خطا و 99 درصد اطمینان رابطه بین دو متغیر معنادار است. به عبارت دیگر بین داوطلبانه بودن اقدامات با پیشگیری از سرقت همبستگی متوسطی وجود دارد.

جدول ۱. نتایج آزمون همبستگی کندال تائو سی دو متغیر میزان داوطلبانه بودن اقدامات با پیشگیری از سرقت

نوع آزمون	ضریب کندال تائو سی	سطح معناداری
آزمون کندال تائو سی	$0/443$	$0/000$
تعداد پاسخ‌گویان	۳۷۹	

با توجه به داده‌های جدول ۲، ضریب کندال تائو بی محاسبه شده به میزان $0/673$ با 1 درصد خطا و 99 درصد اطمینان رابطه بین دو متغیر معنادار است. به عبارت دیگر بین اظهار حقیقت با پیشگیری از سرقت همبستگی قوی وجود دارد.

جدول ۲. آزمون همبستگی کندال تائو بی دو متغیر اظهار حقیقت با پیشگیری از سرقت

نوع آزمون	ضریب کندال تائو بی	سطح معناداری
آزمون کندال تائو بی	$0/673$	$0/000$
تعداد پاسخ‌گویان	۳۷۹	

با توجه به داده‌های جدول ۳، ضریب کندال تائو سی محاسبه شده به میزان $0/390$ با 1 درصد خطا و 99 درصد اطمینان رابطه بین دو متغیر معنادار است. به عبارت دیگر بین رودرویی با پیشگیری از سرقت همبستگی متوسطی وجود دارد.

جدول ۳. آزمون همبستگی کندال تائو سی دو متغیر رودرویی با پیشگیری از سرقت

نوع آزمون	ضریب کندال تائو سی	سطح معناداری
آزمون کندال تائو سی	۰/۳۹۰	۰/۰۰۰
تعداد پاسخ گویان	۳۷۹	

با توجه به داده‌های جدول ۴، ضریب کندال تائو سی محاسبه شده به میزان ۰/۵۰۲ با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان رابطه بین دو متغیر معنادار است. به عبارت دیگر بین توافقی و پیشگیری از سرقت همبستگی متوسطی وجود دارد.

جدول ۴. آزمون همبستگی کندال تائو سی دو متغیر توافقی با پیشگیری از سرقت

نوع آزمون	ضریب کندال تائو سی	سطح معناداری
آزمون کندال تائو سی	۰/۵۰۲	۰/۰۰۰
تعداد پاسخ گویان	۳۷۹	

با توجه به داده‌های جدول ۵، ضریب کندال تائو سی محاسبه شده به میزان ۰/۴۰۸ با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان رابطه بین دو متغیر معنادار است. به عبارت دیگر بین حمایت با پیشگیری از سرقت همبستگی متوسطی وجود دارد.

جدول ۵. آزمون همبستگی کندال تائو سی دو متغیر حمایت با کاهش سرقت

نوع آزمون	ضریب کندال تائو سی	سطح معناداری
آزمون کندال تائو سی	۰/۴۰۸	۰/۰۰۰
تعداد پاسخ گویان	۳۷۹	

با توجه به داده‌های جدول ۶، ضریب کندال تائو سی محاسبه شده به میزان ۰/۴۰۹ با ۱ درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان رابطه بین دو متغیر معنادار است. به عبارت دیگر بین محرمانه بودن با کاهش سرقت همبستگی متوسطی وجود دارد.

جدول ۶. آزمون همبستگی کندال تائو سی دو متغیر محرمانه بودن با کاهش سرقت

نوع آزمون	ضریب کندال تائو سی	سطح معناداری
آزمون کندال تائو سی	۰/۴۰۹	۰/۰۰۰
تعداد پاسخ گویان	۳۷۹	

جدول ۷. تحلیل مسیر متغیر سرقت بر اساس متغیرهای مستقل

سطح معناداری	تی	ضریب غیر استاندارد		مدل
		ضریب استاندارد	خطای استاندارد	
۰/۰۴۸	۱/۱۳۱	۰/۰۶۷	۰/۰۷۸	داوطلبانه بودن
۰/۰۰۱	۳/۲۴۵	۰/۲۲۴	۰/۰۷۹	اظهار حقیقت
۰/۰۴۲	۱/۸۶۸	۰/۰۸۶	۰/۰۷۰	رودررویی
۰/۱۰	۲/۶۰۳	۰/۱۳۶	۰/۰۶۲	توافق
۰/۰۰۰	۴/۴۱۲	۰/۱۶۴	۰/۰۵۳	حمایت
۰/۰۰۰	۴/۴۱۵	۰/۱۶۶	۰/۰۵۵	محرمانه بودن

همان گونه که در جدول ۷ ملاحظه می‌شود سطح معناداری در همه حالت‌ها کمتر از ۵ صدم است. این مقدار نشان می‌دهد که اثر شش متغیر مستقل بر روی متغیر وابسته که پیشگیری از سرقت است معنادار است. به عبارت دیگر تغییر در سطوح شش متغیر مستقل باعث تغییرات معنادار در متغیر وابسته می‌شود. بنابراین در اینجا می‌توان قضاوت کرد که متغیر اظهار حقیقت بیشترین سهم را در پیش بینی متغیر وابسته دارد به طوری که یک واحد تغییر در انحراف معیار آن باعث می‌شود تا انحراف معیار پیشگیری از سرقت به اندازه ۰/۲۲۴ تغییر کند.

بحث و نتیجه‌گیری

عدالت ترمیمی یک رویکرد نوظهور در سیستم قضایی است که برای پوشش دادن به برخی نقایص موجود در سیستم قضایی حاکم در عصر جدید مطرح شده است؛ در این رویکرد که همواره به اشکال مختلف همچون نشست‌های بزه‌دیده - بزهکار، نشست‌های گروهی خانوادگی و مانند آن به اجرا درمی‌آید تلاش می‌شود که به ایجاد احساس گناه و مسئولیت در بزهکار اقدام کرده و خسارت وارد آمده بر جامعه محلی به شکل توافقی جبران شود. از آنجایی که اجرای عدالت کیفی سنتی و قهرآمیز، سبب فرار فرد از جامعه و در نتیجه نبودن پذیرش اجتماعی وی می‌شود، بنابراین در عدالت ترمیمی همواره تلاش می‌شود تا از طریق وادار کردن بزهکار به عذرخواهی از بزه‌دیده، قبول مسئولیت خسارت وارد آمده و جبران آنچه به صورت مستقیم از طریق پرداخت غرامت و چه به صورت غیر مستقیم در قالب انجام کارهای عمومی یا

خدمات اجتماعی، مشکلات به وجود آمده به فرد و جامعه جبران شود.

عدالت ترمیمی مشارکت و مداخله را ترویج می‌کند. مشارکت و مداخله بر این است که طرفین اصلی متأثر از جرم، یعنی بزه‌کاران، بزه‌دیدگان و اعضای جامعه محلی، نقش مهمی در فرایند اجرای عدالت دارند این سهام‌داران نیازمند آن هستند که اطلاعاتی در خصوص یکدیگر داشته و در تصمیم‌گیری راجع به آنچه که عدالت در یک مورد خاص، حکم می‌کند درگیر باشند. این پارادایم نوین به دنبال ارتقای جایگاه بزه‌دیدگان، بزه‌کاران، اعضای جامعه محلی در فرایندهای کیفری و ترمیم روابط گسسته شده ناشی از ارتکاب بزه و جبران خسارات وارده بر متضرران از جرم و احترام به شأن و کرامت انسانی تمام سهامداران جرم و احیای بزه‌دیدگان و بزه‌کاران و اصلاح آنان است. مداخله‌های عدالت ترمیمی، اصلاح و بازپروری را نه با تکیه بر نقاط ضعف مجرم بلکه از رهگذر توانایی‌ها و ظرفیت‌های سازنده او دنبال می‌کند. این به مفهوم تکیه بر عوامل حمایتی به جای عوامل خطر است که بر اساس اصل کلی نتیجه‌اثربخش‌تری در پیشگیری از بزهکاری دارد (سلیمی، ۱۳۹۶). برنامه‌های ترمیمی فضای مناسبی را برای احیای ظرفیت‌های موجود در اجتماع برای ایجاد صلح و سازش فراهم می‌کند و هر جا صلح و سازش به وجود آید کاهش و پیشگیری از جرم طبیعی است. شرکت افراد جامعه محلی در فرایندهای ترمیمی، در واقع تضمینی برای جلوگیری از سیر اندیشه‌ها و تفسیرهای رسمی و غیر واقع‌گرایانه از جرم، درکی عمیق و همه‌جانبه از ماهیت جرم و عوامل آن و نیز دستیابی به راهکارهای عملی و مؤثر برای حل مشکلات ناشی از جرم است (نوروزی، بارانی و سرکشکیان، ۱۳۹۱، ص ۱۳۴). عدالت ترمیمی دعوتی به مشارکت کامل، اتفاق نظر و اجماع است. این امر به این معنی است که بزه‌دیدگان و بزه‌کاران به طور کلی درگیر موضوع می‌شوند اما با وجود این، کسان دیگری که احساس می‌کنند منافع آنها نیز تحت تأثیر پدیده مجرمانه قرار گرفته است نیز می‌توانند مشارکت کنند.

عدالت ترمیمی به دنبال پاسخگویی کامل و مستقیم است. پاسخگویی به طور ساده به این معنی نیست که بزه‌کاران با واقعه‌ای که منجر به نقض قانون شده است روبرو شوند، بلکه آنان باید با کسانی که به آنان ضرری وارد کرده‌اند نیز روبرو شوند و ملاحظه کنند که اقدامات ایشان چگونه منجر به ضرر و زیان دیگران شده است. آنان باید در مورد رفتار خود توضیح دهند تا بزه‌دیده و جامعه بتوانند آن را درک کنند. فرایند عدالت کیفری سنتی که در آن بزه‌کاران با اتهامات انتزاعی انتسابی توسط مقامات قضایی

در یک محیط کاملاً رسمی مواجه می‌شوند، به سختی می‌تواند در فنون و تدابیر دفاعی بزهکاران نفوذ کند. در حقیقت، فرآیند عدالت کیفری سنتی، بیشتر چنین تدابیر و قانونی را تقویت می‌کند نه تضعیف. همچنین از طریق اعطای اختیار و توانایی خاص به بزهکاران که در عدالت کیفری سنتی از آن برخوردار نیستند، یعنی توانایی انجام کاری به منظور جبران ضرر و زبانی که وارد ساخته‌اند، به بزهکاران فرصت داده می‌شود و به عذرخواهی از بزه‌دیدگان و باقی کسانی که از رفتار آن‌ها، دچار صدمه و آسیب شده‌اند (از جمله والدین بزه‌دیدگان) تشویق می‌شوند.

پیشنهادها: عناصر یک فرآیند ترمیمی عبارت‌اند از بزه‌دیده، بزهکار و یک عنصر به عنوان میانجی، مشاور و یا تسهیل‌کننده که بیشتر راهکار پدیده مجرمانه از طریق همکاری فعالانه هر ۳ عنصر قابل حل است. نقش پلیس به عنوان نقش تسهیل‌کننده و واسط میان بزه‌دیده و بزهکار و سیستم قضایی نقش مهم و تأثیرگذاری است. عدالت ترمیمی می‌تواند جای خود را در برنامه‌های نیروی انتظامی پیدا کند و نیروی انتظامی در این خصوص برنامه مدون و قانونی داشته باشد.

۱. پلیس می‌تواند نقش میانجیگری خود در پیشگیری از جرائم و جبران و کاهش عوارض منفی آنها را تقویت کند؛

۲. برگزاری نشست‌های گروهی و ترمیمی می‌تواند به یکی از دستورکارهای نیروی انتظامی تبدیل شود؛

۳. آموزش کارکنان نیروی انتظامی در خصوص روش‌های اجرای برنامه عدالت ترمیمی ضروری است؛

۴. پلیس به عنوان تسهیل‌کننده اصلی و مجری عدالت ترمیمی می‌تواند محل‌های مناسبی را تدارک دیده و از افراد با تجربه در این نشست‌ها استفاده کند؛

۵. پلیس باید از ظرفیت هیئت‌ها و گروه‌های مردمی در محله‌ها در راستای اجرای برنامه‌های عدالت ترمیمی استفاده کند؛

۶. توجه و تقویت مراکز مشاوره و مددکاری و دوایر اجتماعی در کلانتری‌ها و آموزش همگانی می‌تواند به یکی از برنامه‌های مستمر ناجا تبدیل شود؛

۷. تشکیل شورای معتمد پلیس در کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها برای حل و فصل دعاوی، استانداردسازی

الگوهای رفتاری کارکنان و خلاقیت در یگان‌های انتظامی و بهره‌برداری از ظرفیت مشارکت اقشار

مختلف مردمی در انجام مأموریت‌ها در قالب پلیس افتخاری باعث مصالحه پایدار در پرونده‌های

ارجاعی به مراکز مشاوره، می تواند بار قضایی پرونده ها را کاهش دهد؛

۸. پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی موضوع سنجش اثربخشی برنامه های عدالت ترمیمی در پیشگیری از جرم مورد توجه قرار گیرد تا بتوان از این طریق نقاط قوت و ضعف برنامه های اجرا شده در این زمینه را احصاء کرد؛ همچنین در پژوهش های آتی شاخص سازی مناسبی برای سنجش میزان اثربخشی برنامه های ترمیمی صورت گیرد که می توان در این خصوص از شاخص هایی چون رضایت بزهدیدگان از تجربه برنامه های ترمیمی، میزان کاهش استرس و اضطراب و ترس پس از اجرای برنامه ها و میزان تمایل به انتقام پس از اجرای برنامه اشاره کرد.

فهرست منابع

- ابراهیمی، شهرام. (۱۳۸۸). مجموعه رویه های بین المللی پیشگیری از جرم. چاپ اول. تهران: انتشارات میزان.
- ابراهیمی، نصیبه؛ کلانتری، کیومرث و صفری کاکرودی، عابدین. (۱۳۹۷). تبیین نقش پلیس ترمیمی در شرمساری پیشگیرانه از تکرار جرم. فصلنامه انتظام اجتماعی، ۱۰(۲)، صص ۲۲۹-۲۵۰. قابل بازیابی از: <http://ensani.ir/fa/article/395016>
- بارانی، محمد. (۱۳۹۶). پلیس و میانجیگری کیفری (مورد مطالعه: کلانتری های تهران). دانش انتظامی، (۷۶). صص ۱۲۱-۱۴۶. قابل بازیابی از: <http://ensani.ir/fa/article/375520>
- بریث ویت، جان. (۱۳۸۵). عدالت ترمیمی. مهرداد رایجیان اصلی، مترجم. نشریه تحقیقات حقوقی، (۴۳). صص ۵۲۱-۵۷۰. قابل بازیابی از: <http://ensani.ir/fa/article/7232>
- بیات، بهرام؛ شرافتی پور، جعفر و عبدی، نرگس. (۱۳۸۷). پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع محور (پیشگیری اجتماعی از جرم). تهران: معاونت اجتماعی نیروی انتظامی.
- حاجی خسروی، فرزانه. (۱۳۹۴). جایگاه عدالت ترمیمی در قانون آیین دادرسی کیفری. پایان نامه دکتری رشته حقوق پردیس البرز دانشگاه تهران.
- سلیمی، اکبر. (۱۳۹۶). الگوی مدیریت پیشگیری اجتماعی از بزهکاری نوجوانان، رساله دکتری، دانشگاه علوم انتظامی امین. شیری، عباس. (۱۳۸۵). پارادایم های عدالت کیفری، عدالت سزادهنده و عدالت ترمیمی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، (۷۴)، صص ۲۱۳-۲۴۵. قابل بازیابی از: <https://www.magiran.com/paper/410191>
- کارولین، هوپل؛ نیکوکار، حمیدرضا. (۱۳۹۱). عدالت ترمیمی، بزهدیدگان و پلیس. بارانی، محمد، مترجم. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم. ۷(۲۳)، صص ۱۷۷-۲۲۴. قابل بازیابی از: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1041977>
- مظفری زاده، سجاد. (۱۳۹۱). ترمینولوژی جرم شناسی، تهران: نشر بهینه.
- مقدسی، محمدباقر؛ میرزایی، محمد و غنی، کیوان. (۱۳۹۷). برنامه های ترمیمی پلیس با تکیه بر قانون آیین دادرسی کیفری و رویه عملی پلیس ایران. پژوهشنامه حقوق کیفری، (۱۷)، صص ۱۸۷-۲۱۴. قابل بازیابی از: https://jol.guilan.ac.ir/article_2890.html
- میرزایی، محمد؛ مسعودی، عباس. (۱۳۹۰). نقش پلیس در اجرای برنامه های عدالت ترمیمی. فصلنامه کارآگاه. ۵(۱۷)، صص

۸۴-۱۰۷. قابل بازیابی از: http://det.jrl.police.ir/article_10500.html

نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۷). از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی. الهیات و حقوق دانشگاه رضوی (آموزه‌های حقوقی)، ۳(۳ و ۴)، صص ۳-۳۸. قابل بازیابی از:

<http://ensani.ir/file/download/article/20120326104546-1100-64.pdf>

نوروزی، بهرام؛ بارانی، محمد و سرکشیکیان، سیدمحمدحسین. (۱۳۹۰). پیشگیری از جرم از نظریه تا عمل. تهران: مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری نیروی انتظامی.

وروایی، اکبر و فاطمی موحد، حمید. (۱۳۹۵). پیمایش جرم، تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.

Braithwaite, J. (2002). *The Rise and Risks of Restorative Justice*. British Journal of Criminology, Hart Publishing, Oxford.

Divyani, K. (2011). An ontology of slum for image-based classification, *Computers, Environment and Urban Systems*.

Drakakis-Smith, D. (2000). *Third world cities*. London: Rotledge.

Hall, P., Pfeiffer, U., & Germany. (2000). *Urban future 21: A global agenda for twenty-first century cities*. London: E & FN Spon.

Hudson, B. (1987). *Justice Thorough Punishment: A Critique of the Justice Model of Correction*. London: Macmillan Education.

Mel, lofty. (2002). *Restorative policing*, Thames valley police, England.

Menkel, C. (2007). *Restorative Justice: What Is It and Does It Work?*. *Annual Law Review*. (3), pp 10-27.

Potter, R. B & S. Liloyd-Evans. (1998). *the city in the developing world*. Essex: Longman.

Walker, Stephen. P. (2008). *Accounting, paper shadows and the stigmatized poor*; *The Journal of Accounting, organizations and society*, (33).